

شهادت و وصیت امام محمد باقر (ع)

هنگامی که بدرود حیات گفتم زمین را برایم بشکافید و قبری مهیا کنید پس اگر به شما گفتند برای رسول خدا (ص) لحد بوده است، تصدیق کنید.



به گزارش آران نیوز:

وصیت امام (ع)

شیخ کلینی در کتاب کافی به سند خود از امام رضا (ع) روایت کرده است که امام باقر (ع) به هنگام احتضار فرمود: هنگامی که بدرود حیات گفتم زمین را برایم بشکافید و قبری مهیا کنید پس اگر به شما گفتند برای رسول خدا (ص) لحد بوده است، تصدیق کنید.

نگارنده: این فرمایش بدان دلیل بوده است که امام باقر (ع) شکافتن زمین را از برخی جهات بهتر می دانسته اگر چه فضیلت لحد بالاتر بوده است.

کلینی به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمود:

پدرم هر آنچه از کتب و سلاح و آثار و امانات انبیاء در نزد خود داشت، به من به ودیعت سپرد. پس چون لحظه وفاتش فرارسید به من گفت: چهار شاهد فراخوان. من چهار تن از قریش را دعوت کردم که یکی از آنان نافع مولای عبد الله بن عمر بود.

پس به من فرمود:

«بنویس این چیزی است که یعقوب فرزندانم را بدان وصیت کرد که ای فرزندانم خداوند دین را برای شما برگزید، پس نمیرید مگر آنکه تسلیم رضای خداوند باشید.» و وصیت کرد محمد بن علی به جعفر بن محمد و به وی فرمان می دهد که او را به جامه بردی که هر جمعه در آن نماز می خواند کفن کند و عمامه اش را بر سرش بندد و قبر او را چهار گوش و با فاصله چهار انگشت از زمین بلندتر قرار دهد و در موقع دفن بندهای کفن او را باز کند.

سپس به شهود فرمود: بازگردید خداوند شما را رحمت کند! امام صادق (ع) گفت: به پدرم گفتم: ای پدر! در این وصیت چه بود که بر آن شاهد طلب کردی؟ فرمود: پسر! خوش نداشتم پس از من با تو به نزاع برخیزند به این بهانه که به تو وصیت نکرده ام و می خواستم بدین وسیله حجت و دلیلی برای تو قرار داده باشم. در حقیقت امام (ع) می خواست به این وسیله همگان بدانند که جعفر بن محمد (ع)، وصی و جانشین و امام بعد از اوست.

کلینی در کافی به سند خود از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود:

پدرم روزی در ایام بیماریش به من گفت: پسر! گروهی از قریشیان ساکن مدینه را بدینجا فراخوان تا آنها را گواه بگیرم. من نیز چنین کردم. پس امام در حضور آنان به من فرمود: ای جعفر هنگامی که من دنیا را وداع گفتم مرا بشوی و کفن کن و قبرم را چهار انگشت بالاتر از زمین قرار ده و بر آن آب بیاش.

چون گواهان رفتند به پدرم عرض کردم: اگر مرا (در خلوت هم) به این کارها امر می کردی، انجام می دادم. چرا درخواستی تا عده ای را به عنوان شاهد به نزدت بیاورم؟ فرمود: پسر! می خواستم با تو نزاع نکنند. (یعنی در امامت و خلافت از پس من با تو نزاع نکنند و بدانند که تو وصی منی).

کلینی در کافی به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمود:

پدرم در وصیتش نوشته بود که وی را در سه جامه کفن کنم. یکی ردای جمره‌ای او بود که در روز جمعه با آن نماز می خواند و دو پیراهن دیگر. پس به وی عرض کردم: چرا اینها را می نویسی؟ فرمود: می ترسم مردم با تو از در نزاع وارد شوند و بگویند او را در چهار یا پنج جامه کفن کن اما تو به گفتار آنان راه مرو. عمامه خودم را بر سرم بند و البته عمامه را جزو کفن محسوب مکن بلکه عمامه از چیزهایی است که بدن را به آن می پوشانند.

شیخ کلینی در کافی به سند خود نقل کرده است که امام باقر (ع) وصیت کرد که هشتصد درهم برای برگزاری مراسم سوگواری او اختصاص دهند و این کار را از سنت می دانست. زیرا پیامبر می فرمود: برای خاندان جعفر طعمای فراهم آرید، آنان نیز به وصیتش عمل کردند. (کتاب: سیره معصومان، ج 5، ص 45، نویسنده: سید محسن امین، ترجمه: علی حجتی کرمانی)

شهادت امام محمد باقر (ع)، نحوه شهادت امام محمد باقر (ع)، وصیت امام محمد باقر (ع)

شهادت امام باقر (ع)

امام باقر (ع) پس از عمری تلاش در میدان بندگی خدا و احیای دین و ترویج علم و خدمات اجتماعی به جامعه اسلامی، در روز هفتم ماه ذو الحجه سال 114 رحلت کرد.

در سال رحلت و شهادت آن حضرت آرای دیگری نیز وجود دارد. دسته ای از مورخان سال 117 و بعضی سال 118 و گروه اندکی

سالهای 116 و 113 و 115 و 111 را یاد کرده اند، اما بیشترین منابع تاریخی سال 114 را متذکر شده اند. منابع روایی و تاریخی علت وفات آن حضرت را مسمومیت دانسته اند، مسمومیتی که دسته ای حکومت امویان در آن دخیل بوده است.

از برخی روایات استفاده می شود که مسمومیت امام باقر (ع) به وسیله زین آغشته به سم، صورت گرفته است، به گونه ای که بدن آن گرامی از شدت تأثیر سم بسرعت متورم گردید و سبب شهادت آن حضرت شد.

در این که چه فرد یا افرادی در این ماجرای خائنانه دست داشته اند، نقلهای روایی و تاریخی از اشخاص مختلفی نام برده اند. بعضی از منابع، شخص هشام بن عبد الملك را عامل شهادت آن حضرت دانسته اند.

بخشی دیگر، ابراهیم بن ولید را وسیله مسمومیت معرفی کرده اند.

برخی از روایات نیز زید بن حسن را که از دیر زمان کینه های عمیق نسبت به امام باقر (ع) داشت، مجری این توطئه به شمار آورده اند.

به طور مسلم وفات امام باقر (ع) در دوران خلافت هشام بن عبد الملك رخ داده است، (14) زیرا خلافت هشام از سال 105 تا سال 125 هجری استمرار داشته، و آخرین سالی که مورخان در وفات امام باقر (ع) نقل کرده اند 118 هجری می باشد.

با این که نقلها بظاهر مختلف است، اما با اندکی تأمل در منابع روایی و تاریخ، بعید نمی نماید که همه آنها به گونه ای صحیح باشد زیرا عامل شهادت آن حضرت لازم نیست يك نفر باشد بلکه ممکن است افراد متعددی در شهادت امام باقر (ع) دست داشته اند که هر روایت و نقل، به یکی از آنان اشاره کرده است.

با توجه به برخوردهای خشن و قهر آمیز هشام با امام باقر (ع) و عداوت انکار ناپذیر بنی امیه با خاندان علی (ع) شك نیست که او در از میان بردن امام باقر (ع) - اما بشکلی غیر علنی - انگیزه ای قوی داشته است.

بدیهی است که هشام برای عملی ساختن توطئه خود، از نیروهای مورد اطمینان خویش بهره جوید، از این رو ابراهیم بن ولید را که عنصری اموی و دشمن اهل بیت (ع) است به استخدام می گیرد و او امکانات لازم را در اختیار فردی که از اعضای داخلی خاندان علی (ع) بشمار می آید و می تواند در محیط زندگی امام باقر (ع) بدون مانع راه یابد و کسی مانع او نشود، قرار دهد، تا به وسیله او برنامه خائنانه هشام عملی گردد و امام به شهادت رسد.

امام باقر (ع) این چنین به شهادت رسید و به ملاقات الهی شتافت و در بقیع، کنار مرقد پدر بزرگوارش امام سجاد (ع) و عموی پدرش حسن بن علی (ع) مدفون گشت.